

تأثیر عبادت در تربیت و اخلاق و آثار تربیتی فردی و اجتماعی آن

نیک محمد خلیلی^۱

چکیده

هدف خلقت عبودیت است و نیایش در برابر معبود یگانه، یکی از اساسی ترین نیازهای درونی انسان است. نماز کامل ترین و زیباترین شیوه نیایش و پرستش و عالی ترین پاسخ به این نیاز است. حقیقت نماز را باید عروج به مقام قرب الهی و حضور در پیشگاه حضرت حق دانست. رسیدن به این مقام برای تمامی بندگان خدا میسر است و برای رسیدن به آن باید سیر و سلوک داشت. نویسنده مقاله در این پژوهش بر آن است تا برخی از ابعاد معنوی، اجتماعی نماز و نقش تربیتی آن را در زندگی انسان تبیین کند، و با توجه به اهمیت نقش نماز در سلوک معنوی نماز گزار، به بررسی آثار و برکات معنوی، اجتماعی نماز از دیدگاه قرآن کریم و روایات پرداخته است. روش به کار رفته در این تحقیق روش مطالعه منابع است که با استفاده از اطلاعات کسب شده از منابع کتابخانه ای و روش تحلیلی-توصیفی به بررسی آن پرداخته است. نتیجه حاصل از این پژوهش بیانگر این شد که در صورت مراقبت و حضور قلب در نماز، بهره مندی از برکات معنوی نظیر دستیابی به مقامات عالی اخلاص، تزکیه نفس، ذکر، احسان، اطمینان، خشیت، یقین و... برای نماز گزاران واقعی میسر است.

واژگان کلیدی: حیات معنوی، حیات اجتماعی، نماز، عبادت، تربیت، اخلاق.

مقدمه

یکی از بهترین و بارزترین برنامه های تربیتی کار آمد و مطلوب عبادت است، چون عبادت نقش بسیار اساسی و مهمی در تربیت انسان دارد و سبب رشد و کمالات اخلاقی و تربیتی انسان می شود؛ زیرا عبادت و تقید و تعبد به مبانی اعتقادی و تربیتی است که استحکام بخش پیوند همیشگی انسان با خدا است.

دانشجوی دوره دکتری قرآن و علوم تربیتی^۱
Nkmkhalili@gmail.com

عبادت و معنویت خواهی، برخاسته از فطرت پاک و بی آلایش وجود انسان و جوهره ذاتی و حقیقی می باشد. عبادت و پرستش سرلوحه تعالیم همه انبیا و سفیران الهی و نشانه ایمان و عبودیت انسان هاست.

عبادت همان پیوند است که میان بنده و خدا وجود دارد و الزام آور است که همه فروع و شعبه های تربیت از آن سرچشمه می گیرد.

عبادت بدین معنا همه زندگی را شامل و پرتو می افکند، زیرا اسلام این حقیقت را بدرستی درک کرده و به این لحاظ عبادت را پایه اصلی قرار داده و آیین زندگی را بر شالوده آن پایه ریزی کرده است و در بسیاری از آیات قرآن، صفت «عبد» برای انبیاء و صالحان ذکر گردیده است و به عنوان برترین اوصاف معرفی شده است.

بالا تر از آن هر انسان مؤمن مکلف در مقام خواندن تشهد نماز حداقل روزانه نه بار بهترین خلاق خدا را با وصف عبودیت یادآوری میکند و آن قدر اهمیت دارد که درود و سلام بر صالحان را باید به رسالت بر زبان و دل جاری کند و این اهمیت بیانگر این واقعیت است که مراتب عبودیت مقدم بر مراتب رسالت است.

اصولا هویت دینی با اقامه فریضه نماز شکل می گیرد. با هجوم امواج رسانه ای غرب و موج های توفنده جهانی شدن داشتن هویت دینی و ملی نقش مهمی در جهت مقابله با این امواج ایفا می نماید. لذا اهمیت عبادت، اقامه نماز سیاسی - عبادی و هویت بخش از مرز یک واجب شرعی در عرصه خصوصی زندگی عبور می نماید و به ابزار و سلاح دفاع از هویت دینی و ملی در مقابل امواج تهاجم بیگانگان تبدیل می گردد.

از این رو گفتمان هویت بخش دین و باور به اقامه فریضه هویت بخش نماز پیوسته و سینه به سینه و نسل به نسل باید به باز تولید خود پردازد. برهمگان نیز مبرهن است که نقش اصلی را در باز تولید گفتمان دینی و الهی برعهده اهالی فرهنگ و اندیشمندان است.

در مقاله پیش رو در پی پاسخ به سوالات زیر هستیم:

نماز چه نقشی را در هویت اخلاقی و تربیتی بازی می کند؟! و چرا هویت دینی ارتباطی ناگسستنی با نماز دارد؟! لذا نماز مولفه اصلی تربیت دینی انسان در عرصه های مختلف فردی، اجتماعی و فرهنگی است و جامعه اخلاقی در سایه گفتمان هویت بخش نماز و دین شکل می گیرد.

تأثیر نماز در تربیت

نماز به عنوان مولفه اصلی تربیت دینی نقش اصلی را در ایجاد هویت دینی ایفا می نماید. واژه تربیت نیز از آنجایی اهمیت پیدا می کند که نماز نقشی تربیتی در زندگی فردی و اجتماعی انسان دارد و تداوم این نقش تربیتی منجر به هویت یابی دینی می گردد.

اهمیت طرح مسئله

فریضه نماز به عنوان نماد و مشخصه اصلی اسلام سیاسی کانون توجه غرب بوده است. آنان در امپراتوری رسانه ای خود هر جا که می خواهند تصویری خشن از مسلمانان نشان دهند صف های طویل نماز جماعت آنان را در کنار صحنه های انفجار و ترور نشان می دهند. ارائه هویتی تمدن ستیز از مسلمان نمازگزار در فیلم های سینمایی و هالیوودی نیز دنبال می گردد. این همان تصویر تحقیر شده ای است که رودلف والتیو در فیلم معروف «شیخ» ارائه می دهد و این تصور هنوز باقی است. در پس همه این تصاویر تهدید مربوط به جهاد (jihad) پنهان شده است. یعنی تصویری که روزی مسلمانان دنیا را تسخیر کنند. (۱)

نماز به عنوان نماد عبودیت خدا و نفی سلطه هر موجود غیرالهی پیام اصلی دین است. اثرات اجتماعی و فرهنگی آن در نمازهای جمعه و جماعات بروز بیشتری می یابد. ارتباط متقابل، تعامل و گفتگو میان مسلمانان هم عقیده که به قصد قربه الی الله در صفی واحد گرد آمده اند در انجام این فریضه الهی است که جنبه عملی به خود می گیرد. عملکرد رسانه های ارتباطی در بازتاب فریضه نماز یک کنش فرهنگی هوشمندانه را می طلبد که بتواند مخاطبین و مخصوص نسل جوان را به وادی عمل به فریضه نماز ترغیب نماید. در اینجا نقش تربیتی و هدایتی رسانه های ارتباطی برجسته می گردد. رسانه ارتباط بین هویت و نماز را برجسته می کند و اینکه نماز چه نقشی را در گفتمان هویت بازی می کند؟ چرا هویت دینی از مباحث عمده مربوط به هویت است؟!

تبیین مفاهیم اصلی

۱- هویت انسانی

منظور از هویت انسانی این است که انسان چه چیزی است. در میان موجودات هیچ موجودی به اندازه انسان نیازمند شناخت و تفسیر نیست. انسان با همه قابلیت ها، امکانات و استعدادهایی که خداوند در وجودش به ودیعه نهاده است، آنچنان سیستم پیچیده ای است که شناخت وی علم و دانایی بسیاری می طلبد. انسان دارای سه هویت فردی، قومی و ملی و هویت باطنی است. هویت فردی به ویژگی های خاص انسان که او را از دیگر انسان ها متمایز می سازد، اشاره دارد. در شناخت این هویت عواملی همچون خانواده، اقلیم ریشه و تبار خانوادگی و غیره موثرند.

هویت ملی و قومی، هویتی فرهنگی است. هویت ملی از بستر فکری و ایدئولوژیک و مبانی اعتقادی و دینی و عواملی همچون زبان، سرزمین و تاریخ ریشه می گیرد؛ اما هویت باطنی هویت وجودی اوست و در شناخت این هویت به نیت الهی در خلقت انسان توجه می شود. خدایی که انسان را آفریده است بهتر بر حقیقت وجودی انسان و شناساندن هویت واقعی او وقوف دارد. پس باید چگونگی خلقت انسان و هدف از خلقت او تبیین گردد.

هویت مجموعه ای از علائم آثار مادی، زیستی، جامعه ای، فرهنگی و روانی است که موجب شناسایی فرد از فرد، گروه از گروه یا اهلیتی از اهلیت دیگر (فرهنگی از فرهنگ دیگر) می شود. هویت را در مقیاس فردی بنا به تقدم تاریخی به هویت خونی، هویت خاکی و هویت فرهنگی تقسیم می کنند. هویت دینی بخشی از هویت فرهنگی است). (۲)

هویت، آگاهی از خود و ویژگی های مشترک در زمینه هایی مانند طبقات اجتماعی، مذهب، قومیت و جنسیت است. امروزه انواع مختلفی از هویت مانند هویت علمی، قومی، جنسی و منطقه ای وجود دارد. آخرین موج هویت سازی که در حال حاضر در جهان مطرح شده "هویت جهانی و بین المللی" است که به واسطه ارتباطات، تعاملات و مبادلات انسانی در سطح دنیا وجود دارد.

در گزارش کنفرانس جهانی یونسکو (مکزیکوسیتی ۱۹۸۲) در مورد سیاست های فرهنگی تعریف مناسبی از هویت به شرح زیر ارائه گردید؛

«هویت هسته مرکزی شخصیت فردی و اجتماعی انسان است و می تواند به اعمال و تصمیمات فردی و جمعی شکل داده و روندی را به وجود می آورد که یک جامعه را در عین حفظ مشخصات خودش قادر به توسعه سازد». (۳)

امروزه بحث های مربوط به هویت، بحران هویت، هویت دینی و آگاهی دینی به دلایل تاریخی، روابط نامتناسب قدرت بین فرادستان و فرودستان در عرصه جهانی در کانون توجه قرار گرفته است. در جوامع انقلابی و در حال گذار که دارای هویت دینی هستند از هویت دینی در ساخت کلی اجتماع و تحکیم هویت در حال تحول جامعه استفاده می شود. در جامعه دینی هویت دینی خط قرمز ارزشهاست و فریضه نماز اصلی ترین نماد هویت دینی است.

از این رو به تبیین مفهوم دین به عنوان یک امر قدسی و از طرف دیگر به عنوان یک عنصر بنیانی هویت ساز می پردازیم.

۲- دین

کاربرد های قرآنی دین از تنوع زیادی برخوردار است که از آن جمله اند: جزا، حساب، قانون، شریعت، طاعت و بندگی، تسلیم و انقیاد، اسلام، روش و رویه، توحید و خداپرستی. (رک:طریحی، ۷۶ و ۷۷؛ راغب اصفهانی: ۷۵؛ قرشی: ۳۸۰ و ۳۸۱) تعریف اصطلاحی دین، غالباً برخاسته از دیدگاه های خاص الهیاتی، فلسفی، اجتماعی و روانشناختی کسانی است که به تبیین دین در چارچوب اندیشه ها و اهداف خود پرداخته اند.

«دین مجموعه ای از عقاید، اخلاق، قوانین فقهی و حقوقی است که از ناحیه خداوند برای هدایت و رستگاری بشر تعیین شده است». (جوادی آملی، ۱۳۹۰: ۱۹)

در این رویکرد، قلمرو دین شامل همه امور زندگی انسان، اعم از مسایل فردی و اجتماعی، مادی و معنوی، دنیوی و اخروی میشود. اگر به تاسی از دکارت در پی آن باشیم که برای تعریف یک مفهوم به دنبال وضوح و تمایز باشیم، باید گفت که در تعریف دین با مشکلاتی مواجه خواهیم بود. بر این اساس تفکیک میان تمایز مفهوم دین و وضوح مفهوم دین ضروری است. در تعریف دین یک بخش سلبی و یک بخش ایجابی وجود دارد. بخش سلبی آن به تمایز مفهوم دین مرتبط است و بخش ایجابی به وضوح آن ارتباط پیدا می کند.

دین مفهومی متمایز از معنویت، زیستن اخلاقی، عرفانی نگری، تعبد، ایمان، خشکه مقدسی، خرافه پرستی است. این هفت مفهوم مفاهیم نزدیک به دین هستند ولی یقیناً دین نیستند. لذا ثابت می شود که مثلاً دین خشکه مقدسی و یا خرافه پرستی نیست.

در عرصه وضوح تعریف دین باید تعریفی از دین ارائه شود که نه مانع افراد باشد، نه جامع اغیار، نه خوشبینانه باشد و نه بدبینانه. (۴)

رابطه دین و هویت یابی انسان

جهت ایضاح مسئله واحد تحلیل خود را انسان و هویت یابی او از طریق دین قرار می دهیم.

نقطه عزیمت هویت یابی دینی فطرت انسان است. فطره الله التي فطر الناس علیها لا تبدل لخلق الله. (روم: ۳۰) انسانها دارای فطرت خداشناسی و فطرت عبادت هستند، لیکن این احساس گاهی به صورت شعور ناآگاهانه و گاهی با کمک وحی به شعور آگاه تبدیل شده و به سوی کمال حرکت می کند. حرکت هدفمند انسانها در مسیر فطرت، فصل مشترکی را در بین آنان ایجاد می نماید که در عرصه زندگی اجتماعی نیز خود را بروز می دهد، دغدغه مشترک به هویت مشترک میل پیدا می کند که ما این هویت مشترک را هویت دینی می یابیم.

هویت دینی، خود مولفه ای از واحدی بزرگتر به نام هویت فرهنگی است. در تکاپوی هویت بخشی دین به نسل جوان نمی توان حرکت را با انقطاع شروع کرد و از گذشته تاریخی و فرهنگ کهن یک ملت برید. بنابراین در تکاپوی کمال به سوی آینده از منظر فرهنگی باید نگاهی به گذشته داشت.

دین اصلی ترین نقش را در شکل گیری تمدن بشری داشته است. نام انسان با نام دین در تاریخ کهن بشری گره خورده است. ماکس وبر جامعه شناس شهیر آلمانی با نگارش کتاب «اخلاق پروتستان و روح سرمایه داری» به ایضاح مبسوط نقش دین در شکل گیری تمدن صنعتی غرب پرداخته. لذا پرداختن به نقش دین در شکل گیری هویت فرهنگی و دینی یک ملت شایسته توجه است. نماز که در لسان رسول خاتم (ص) ستون دین است، الگوی رفتاری مبتنی بر وحی الهی می باشد. با لحاظ نمودن فریضه نماز، دین به مولفه ای هویت بخش تبدیل می گردد. لذا به تبیین مفهوم نماز نیز می پردازیم.

۳- عبادت

«عبادت در لغت به معنای اطاعت خاضعانه است که بنابراین هر نوع اطاعت و پیروی کردن عبادت نیست، بلکه تنها طاعت و پیروی همراه با خضوع و تسلیم عبادت است». با توجه به این، هر کاری که به قصد اطاعت و پیروی همراه با خاضعانه از دستورات خداوند متعال انجام شود، عبادت است. عبادت، به معنای اظهار ذلت، عالی ترین نوع تذلل و کرنش در برابر خداوند است. (قرائتی، ۱۳۸۶: ۱۹)

اما عبادت در معنای دیگری نیز به کار می‌رود؛ عبادت در این معنا به هر نوع کاری که به قصد اطاعت و پیروی از خدا انجام شود اطلاق نمی‌شود، بلکه تنها به کارهای اطلاق می‌شود که فی نفسه بیانگر عبودیت و بندگی هستند. به عبارت دیگر، عبادت به معنای دوم به کارهای اطلاق می‌شود که انسان از آن جهت که بنده خدا است آن‌ها را انجام می‌دهد. در واقع، این افعال: «به منظور اظهار عبودیت و بندگی و نهایت خضوع و تسلیم در برابر خداوند و به قصد تقرب به او انجام می‌شود».

جلوه‌های عبادت

عبادت اقسام مختلفی دارد که به برخی از آن‌ها اشاره می‌کنیم:

الف) نماز

نماز به عنوان یک فریضه الهی، کنشی هویت بخش است و در درجه اول به یک بنده مومن که فقط در مقابل خدا سر طاعت فرود می‌آورد، هویت دینی می‌بخشد. تسلیم و طاعت در برابر خدا مستلزم ایستادگی در مقابل هرگونه نظام سلطه است که آزادی انسان‌ها را هدف قرار می‌دهد. بنابراین سجده و طاعت در برابر ذات اقدس الهی مستلزم آزادی از هرگونه نظام سلطه‌ای است که انسانها را به بند می‌کشد. نماز به عنوان نماد بندگی انسان در مقابل خدا با نیت قربه الی الله آغاز می‌گردد و خداوند به بزرگی و عظمت یاد می‌شود (الله اکبر). اوست که پدیده‌ها و انسان را هستی بخشیده و بازگشت همه به سوی اوست. عبارت الله اکبر ۸۵ مرتبه در نمازهای یومیه تکرار می‌گردد و در آن ضمن یاد کردن خدا به عظمت و بزرگی خط بطلان کشیدن بر طاغوت و هرگونه ساختار سلطه‌گری است که انسانها را بر خلاف فطرتشان که آزادی از بندگی غیرخدا خلق شده‌اند، به بند می‌کشاند. آنجا که در سوره حمد «الحمد لله رب العالمین» می‌گوییم،

بر پرورش و آفرینش هستی و جهان به دست مقتدر خداوند تاکید می نماییم و بر هویت بندگی خود در مقابل خدا تاکید می نماییم. خداوند سایه رحمتش را بر همگان گسترده و در توبه را بر روی غفلت کنندگان باز گذاشته. نماز گزار تنها چنین خدایی را پرستش می کند و تنها از وی کمک می خواهد.

فریضه نماز ضمن اینکه یک کنش فردی جهت ارتباط با ذات اقدس الهی است دارای سویه های مختلف اجتماعی، فرهنگی، اخلاقی و سیاسی نیز می باشد. همگرایی این مولفه های متأثر از نماز منجر به ایجاد یک هویت مشترک برای تمام برپا دارندگان این فریضه الهی می گردد که برخی از آنان تبیین می گردد.

نماز نقش بسیار اساسی و مهمی در تربیت انسان دارد، اگر ما به آیات قرآن مجید و سیره تربیتی معصومان(ع) به دقت نگاه کنیم به خوبی می فهمیم که نماز آثار فراوان مادی و معنوی را به همراه دارد، در همین زمینه قرآن مجید می فرماید: «واقم الصلاه ان الصلاه تنهى عن الفحشاء والمنکر.... ؛ نماز را بر پادار، که نماز (انسان را) از زشتها و گناه باز می دارد». (عنکبوت: ۴۵)

و در آیه دیگر می فرماید: «اقم الصلاه لذكری ؛ نماز را برای یاد من به پادار». (طه: ۱۴)

این آیه می فرماید: علت غایی برای همه عبادتها یاد خدا است، از نظر زبان و یا دل، کسی که به یاد خدا باشد مرتکب گناه نمی شود و این چنین نمازی انسان را از گناه و پلیدی ننگه می دارد ولی عملی عبادی که تنها صورتی از نماز داشته باشد از چنین خاصیتی بی بهره است.

قرآن کریم در آیه دیگر می فرماید: «واستعنوا بالصبر و الصلاه و انها لکبیره الا علی الخاشئین ؛ از صبر و نماز یاری جوید (و با استقامت و مهار هوسهای درونی و توجه به پروردگار، نیرو بگیرید) و این کار جز برای خاشعان گران است». (بقره: ۴۵)

فخر رازی در تفسیر کبیر می گوید: «والعصر ان الانسان لفی خسر... ؛ مراد از عصر، نماز عصر است» و در آنجا چند قولی دیگر را هم نقل می کند، ولی از نظر امام خمینی (ره) مراد از عصر، عصر ظهور امام زمان(عج) است زیرا عصر را به معنای عصاره می دانند یعنی عصاره امام زمان: اما نظر فخر رازی آنست که مراد از «والعصر» نماز عصر است و یک روایت هم از پیامبر اکرم (ص) به عنوان دلیل می آورد و می گوید:

یک روز یک زن صبیحه زنان آمد خدمت پیامبر اکرم(ص) و عرض کرد: یا رسول الله! همه اصحاب بیرون بروند من با شما کار دارم. پیامبر اکرم(ص) به اصحاب فرمود: شما بیرون بروید و دنبال مطلب را چنین ادامه می‌دهد و می‌گوید: زن گفت یا رسول الله من زن شوهرداری بودم و زنا دادم و از این زنا آبتن شدم و بچه که از زنا به دنیا آمد و او را در خمیره سرکه خفه کردم و سرکه نجس شده بود او را هم به مردم فروختم. پیامبر اکرم(ص) در جواب آن زن فرمود: به گمانم نماز نمی‌خوانی: «أَنْتِ ظَنَنْتِ أَنْكَ تَرْكُ صَلَاةِ الْعَصْرِ» پیامبر اکرم(ص) فرمود: می‌دانی چرا در این چاه افتاده‌ای چون نماز نمی‌خوانی».

آثار تربیتی نماز

از این آیات و روایات معصومان دو چیز را می‌توان برداشت کرد یکی جنبه منفی و دیگری جنبه مثبت، اما جنبه منفی این روایت می‌گوید آن زن که نماز نخواند و یا آن مرد که نماز نمی‌خواند در چاه می‌افتد و بعضی موقع انسان در چاه که نمی‌توان آن را از چاه بیرون آورد یعنی کاری می‌کند که آبروی پنجاه ساله‌اش را می‌برد اگر زن یا مرد در زنا یا لواط و به بعضی از گناهان کبیره دچار گردد نه تنها حیثیت خودش را به باد داده بلکه شخصیت اجتماعی و فرهنگی و خانوادگی خود را نیز برده است.

اما جنبه مثبت روایت این است که اگر یک مرد و یا یک زن نماز بخواند و به نماز اهمیت بدهد و نمازش را ترک نکند و این نماز او را از گرفتار شدن به لغزش‌های اخلاقی، فرهنگی و تربیتی نجات می‌دهد، قرآن مجید هم همین را می‌گوید: «و استعنوا بالصبر و الصلاه؛ از صبر و نماز یاری جوئید».(بقره: ۴۵)

پیشوایان دینی ما درباره نماز بسیار سفارش کرده‌اند پیامبر اکرم(ص) موقع رحلتش مرتب می‌فرمود: «امتی الصلاه و ما ملکت ایمانکم؛ یعنی به دو چیز خیلی اهمیت بدهید: یکی به نماز، دیگری به زیر دست امت من».(طبقات الکبری ۲: ۱۹۵)

همچنین امام صادق(ع) نزدیک رحلتش تمام بستگانش را جمع کرد و فرمود: «کسی که نمازش را سبک بشمارد شفاعت ما اهل بیت شامل حال او نمی‌شود».

همه ما می‌دانیم که راه نجات ما داخل شدن در بهشت در سایه شفاعت اهل بیت ممکن است ما باید با شفاعت اهل بین وارد بهشت شویم و امام صادق(ع) می‌فرماید کسی که نمازش را سبک بشمارد شفاعت ما

اهل بیت شامل حال او نمی‌شود، نه این که نماز نمی‌خواند بلکه نماز می‌خواند ولی نماز را سبک می‌شمارد و سهل انگاری در نماز می‌کند و اهمیت به نمازش نمی‌دهد.

به همین مضمون روایت از پیامبر اکرم (ص) داریم که می‌فرماید: «کسی که نمازش را سبک شمارد شفاعت ما شامل حال او نمی‌شود».

۱. تاثیرات اخلاقی نماز

دوری از گناه، تقویت نیروی تحمل مصائب و سختی‌ها، ادب آموزی، کبرزدایی، احترام به حقوق دیگران، دوری از غیبت و تکبر، معاشرت بری از خشونت با مردم و پایبندی به عدالت از پیامدهای مثبت اخلاقی نماز است.

همگرایی مولفه‌های فوق منجر به ایجاد هویتی با صفت دینی می‌گردد حال اگر صفات اخلاقی فوق به صورت فصل مشترک افراد یک جامعه درآید در این صورت آن جامعه دارای هویت دینی می‌گردد.

از دیگر ویژگی‌های اخلاقی نمازگزاران که کنشی معطوف به جمع است رعایت امانت و وفای به عهد نسبت به دیگران است. (والذینهم لامانتهم و عدهم راعون) (المعارج: ۳۲)

البته امانت مفهوم وسیعی دارد. هر یک از نعمت‌های الهی امانتی از امانات او هستند. پست‌های اجتماعی و مخصوصاً مقام حکومت از مهمترین امانات است خیانت در امانت جزء زشتی‌ها و بدی‌هاست که هرگز با روح نمازگزار سازگار نیست.

۲. تاثیرات اجتماعی نماز

یکی از جنبه‌های اجتماعی نماز که در ایجاد هویت مشترک برای مومنان موثر است نظم و انضباط در امور است. قرآن کریم در این باره می‌فرماید: «فاقيموا الصلاه ان الصلواه كانت على المومنين كتابا موقوتا». نماز را برپا دارید که به راستی نماز وظیفه ثابت و معینی است برای مومنان». (نساء: ۱۰۳)

برگزاری نماز به صورت جماعت و فرادا در ساعات معینی از شبانه روز و به سوی یک قبله مشترک، وحدتی در عین کثرت می باشد که شرط عملی شدن آن انضباط در امور و پیامد طبیعی آن، هم اجتماعی شدن و هم وحدت می باشد.

نمازگزاران در عمل معطوف به اجتماع خود حق معلومی از اموالشان را برای تقاضا کنندگان و محرومان در نظر می گیرند، «والذین فی اموالهم حق معلوم. للسائل و المحروم». (معارج: ۲۴) مهمترین عامل این کنش اجتماعی نماز است. نماز به نمازگزار می گوید حقوق دیگران را استیفا کن. با خدا رابطه ایجاد نما و وقتی با خدا رابطه پیدا کردی رزق را از او می طلبی. مسلمان نمازگزار برخی از الفاظ ذکر را جمع بر زبان می آورد مثل «نعبد» یا «نستعین». متکلم مع الغیر آوردن دعاها و خیر دیگران را خواستن و دیگران را در خیر خود سهیم دانستن، انسان را و او می دارد به اینکه در مسائل اقتصادی هم دیگران را فراموش نکند.

۳. تأثیرات سیاسی نماز

مسجد در صدر اسلام هم کانون عبادت و یاد خدا بود و هم مکان تجهیز سپاه برای جهاد، ساماندهی به امور جاریه شهروندان، محل جمع آوری وجوهات شرعی و مالیات بردارایی و هم تربیون سیاسی مذهبی جهت روشنگری شهروندان.

ادای نماز به جماعت و نمازهای جمعه که امام با تشریفات خاص به ادای نماز و ایراد خطبه ها می پردازد و شهروندان را به رعایت تقوی و انضباط در امور فرا می خواند دارای سویه های دقیق سیاسی و فرهنگی است. در این گونه جماعات اجماعی بین مسلمین جهت پرداختن به معضلات گریبانگیر جامعه اسلامی شکل می گیرد. با تأثیرپذیری از فلسفه نماز و نمازهای جماعات و جمعه است که امام خمینی (ره) سیاست را علم هدایت انسانها به صراط مستقیم و در حقیقت راه و روش انبیا (ع) می داند.

نکته قابل توجه این است که صف های نماز جمعه و جماعات مسلمین نیز بیشترین پوشش خبری و رسانه ای دولت های غربی را به خود اختصاص داده است و هر جا که در صدد هجمه تبلیغاتی و سیاسی به مسلمین هستند نمازگزاران اهل جمعه و جماعت را به خشونت متهم می نمایند. برجسته نمودن نقش سیاسی نماز در

جهان ارتباطات امروزه مسئله ای پیش روی کارشناسان و رسانه های ارتباطی یک دولت دینی است که درصدد تقویت هویت دینی جامعه دیندار است.

تامل واندیشه در تک تک آیات و عبارات و انکار در نماز پیوسته یاد نمودن خداوند به یکتایی، عظمت و بزرگی و بخشندگی و مهربانی است. برای عملی نمودن این ذکرها در صحنه زندگی باید دست را بر سینه شیاطین درون و برون زد و در عرصه زندگی اجتماعی و فردی سلطه ستیزی نمود. تفسیر امام خمینی(ره) از نماز و هسته اصلی آن یعنی سوره حمد نیز تفسیری سیاسی است و در اینجا امام(ره) سیاست را علم پیامبران و علم هدایت انسانها می داند. نماز سیاسی کنشی صرفا فردی و منقطع از اجتماع نیست. این نماز روح بخش و حرکت آفرین است. به عبارتی کنش معطوف به جهاد و تلاش در راه خداست. از این رو پیامبر خاتم(ص) رهبانیت و عبادت بریده از اجتماع را مردود اعلام می کند و رهبانیت امت خود را جهاد و تلاش در راه خدا می داند.

اگر مطابق تعریف حضرت امام(ره) سیاست را علم هدایت انسان بنامیم، سوره حمد یکی از سیاسی ترین سوره های قرآن کریم است. اگر قدرت را هسته اصلی علم سیاست بدانیم، آیه دوم سوره حمد بر قدرت بی همتای ذات اقدس الهی تاکید می کند.

آیات سوم و چهارم ضمن تاکید بر بخشندگی و مهربانی خدای متعال بر بندگانش، عدالت الهی در روز جزا را تبیین می نمایند.

در سوره حمد اقتدار الهی ملازم با عدل الهی ذکر گردیده است، یعنی از منظر دینی قدرت سیاسی بدون عدالت نامشروع و حرکت در خط گمراهان است.

در آیه پنجم تمام مخلوقات عالم از جمله اشرف مخلوقات (انسان) از ذات اقدس الهی به عنوان تنها منبع قدرت طلب یاری می نمایند.

استمداد طلبی انسان از درگاه خدای متعال جهت هدایت به صراط مستقیم و راه نعمت یافتگان است نه راه گمراهان و مغضوبین درگاه الهی.

سوره مبارکه حمد در حقیقت درس نامه زندگی بشر است. زندگی بشر بنا به طبع انسانیش یک زندگی اجتماعی است. صورت بندی زندگی اجتماعی انسان نیز در علم سیاست می گنجد، اگر انسان را کانون زندگی اجتماعی بدانیم، این انسان در تمام مراحل زندگی خویش در حیطه اقتدار ذات اقدس الهی است.

ب) روزه

روزه یکی از عبادات مهم اسلامی است که در متون دینی ما تأکید فراوان بر آن شده است، چون روزه نقش بسیار اساسی و مهمی در تربیت انسان دارد و این مطلب را می توان از قرآن مجید و روایات معصومان (ع) به خوبی استفاده کرد، که روزه آثار فراوان جسمی، اجتماعی و معنوی را به همراه دارد، زیرا قرآن مجید در همین زمینه می فرماید: «یا ایها الذین آمنوا کتب علیکم الصیام کما کتب علی الذین من قبلکم لعلکم تتقون ؛ این افراد که ایمان آورده اید، روزه بر شما نوشته شد همان گونه که بر کسانی که قبل از شما بودند نوشته شده تا پرهیزکار شوید». (یقره: ۱۸۳)

آنچه که از این آیه مبارکه به خوبی استفاده می شود، روزه ابعاد گوناگونی دارد، و آثار فراوانی از نظر مادی و معنوی در وجود انسان می گذارد، که از همه مهمتر بعد اخلاقی و تربیتی آن است.

فلسفه روزه

یکی از فوائد مهم روزه این است، روح انسان را تلطیف، و اراده انسان را قوی و غرایز او را تعدیل می کند. روزه دار باید در حال روزه با وجود گرسنگی و تشنگی از غذا و آب و همچنین لذت جنسی چشم پوشد و عملاً ثابت کند که او همچون حیوان در بند اصطبل و علف نیست او می تواند زمام نفس سرکش را به دست گیرد، بر هوسها و شهوات خود مسلط گردد.

در حقیقت بزرگترین فلسفه روزه همین اثر روحانی و معنوی آن است، خلاصه روزه انسان را از عالم حیوانیت ترقی داده و به جهان فرشتگان صعود می دهد، جمله (لعلکم تتقون ؛ باشد که پرهیزکار شوید) اشاره به همه حقایق است.

حضرت علی (ع) درباره فلسفه روزه چنین می فرماید: «خداوند روزه را از این جهت تشریح فرموده که روح اخلاص در مردم پرورش یابد». (نهج البلاغه)

همچنین رسول خدا (ص) می‌فرماید: «روزه سپری در برابری آتش دوزخ است» شاید این روایت اشاره به این موضوع باشد. (نهج الفصاحه)

همچنین روایت از امام صادق (ع) داریم که می‌فرماید: «الصوم يسود وجهه...؛ روزه صورت شیطان را سیاه می‌کند» (صدوق، ۱۴۱۷: ۱۰۲-۱۱۷).

و نیز در روایت دیگری از پیامبر (ص) می‌خوانیم که می‌فرماید: «بهشت دری دارد (سیراب شده) که تنها روزه داران از آن وارد می‌شوند».

آنچه که از این روایات معصومان (ع) به خوبی استفاده می‌شود که روزه سبب رشد و تکامل اخلاقی و تربیتی انسان می‌شود.

آثار تربیتی روزه

اثر اجتماعی روزه بر هیچ کس پوشیده نیست روزه یک درس مساوات و برابری در میان افراد جامعه می‌دهد، با انجام این گونه دستور مذهبی، افراد متمکن هم وضع گرسنگان و محرومان جامعه را به طور محسوس درک کنند و هم با صرفه جوئی در غذای شبانه روزی خود می‌توانند به کمک آن‌ها بشتابند.

البته ممکن است با توصیف کردن حال گرسنگان و محرومان جامعه، ثروتمندان را متوجه حال گرسنگان ساخت، ولی اگر این مساله جنبه حس و عینی به خود بگیرد اثر دیگری دارد، روزه به این موضوع مهمی اجتماعی رنگ حس می‌دهد. در همین زمینه روایت از امام صادق (ع) داریم که هشام بن حکم از علت وجوب روزه پرسید، امام (ع) در پاسخ آن فرمود: «روزه به این دلیل واجب شده که میان فقیر و غنی مساوات برقرار گردد، این به خاطر این است که غنی طعم گرسنگی را بچشد و نسبت به فقیر ادای حق کند، چرا که اغنیاء معمولاً هر چه را بخواهند برای آن فراهم است، خدا می‌خواهد میان بنده های خود مساوات باشد، و طعم گرسنگی و درد و رنج را به اغنیاء بچشانند تا به ضعیفان و گرسنگان رحم کنند» (من لا یحضره الفقیه، ج ۲: ۴۳).

از این فرمایش امام صادق(ع) استفاده می‌شود که روزه یک درس مساوات به جامعه می‌دهد تا این که ثروتمندان جامعه از حال فقیران و محرومان جامعه آگاه شوند و محرومان جامعه را فراموش نکنند و به کمک و یاری آن بشتابند.

اثر بهداشتی و درمانی روزه

«در طب و همچنین در طب قدیم اثر معجزه آسای امساک در درمان انواع بیماریها به ثبوت رسیده، زیرا می‌دانیم بسیاری از بیماریها، زیاده روی در خوردن غذاهای مختلف است، چون مواد اضافی، جذب نشده به صورت چربیهای مزاحم در نقاط مختلف بدن، یا چربی و قند اضافی، در خون باقی می‌ماند، این مواد اضافی در لابلاى عضلات بدن در واقع لجنزارها متعفن برای پرورش انواع میکروبهای بیماری‌های عفونی است و در این حال بهترین راه مبارزه با این بیماریها نابود کردن این لجنزار از طریق امساک و روزه است» (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱).

همچنین روایت از پیامبر اکرم (ص) در همین زمینه داریم که می‌فرماید: «روزه بگیرید تا سالم شوید» و نیز در روایت دیگری می‌فرماید: لمعدة خانه تمام دردها است و امساک بالاترین داروهای آن است». (مجلسی، ۱۴۰۴ ج ۵۸: ۲۷۶)

آنچه که از این روایت فهمیده می‌شود، که بسیار از مرضهای خارجی و داخلی به واسطه روزه گرفتن خوب می‌شود و این مطلب در نظام پزشکی امروزی ثابت شده است.

ج) دعا چیست؟

یکی از مهمترین برنامه‌های تربیتی مطلوب و کار آمد دعا است. اگر ما به آیات قرآن مجید و روایات معصومان (ع) نگاه کنیم می‌فهمیم که دعا اثر فراوان مادی و معنوی دارد، زیرا که قرآن مجید در درسوره مزمل به پیامبر اکرم (ص) خطاب می‌کند که از این نیرو کمک بگیرد.

«بسم الله الرحمن الرحيم؛ يا ايها المزمّل؛ قم الليل الاقيلا، نصفه او نقصل منه قليلا؛ اوزد عليه و رتل القرآن ترتيلا، انا سنلقى عليك قولاً ثقيلا، انّ ناشئه الليل هي اشد وطئا و اقوم قيلا؛ ان لك في النهار سبحا طويلا؛ و اذكر اسم ربك و تبتل اليه تبتيلا؛ اي جامه به خود پیچیده! شب راه جز کمی به پاخیز؛ یعنی از شب را، یا

کمی از آن کم کن؛ یا بر نصف آن بیفزای و قرآن را با دقت و تأمل بخوان، چرا که ما به زودی سخن سنگین به تو القا خواهیم کرد؛ مسلمانان نماز و عبادت شبانه پا بر جا تر و با استقامت تر است؛ و تو در روزه تلاش مستمر و طولانی خواهی داشت؛ و نام پروردگارت را یاد کن و تنها به او دل ببند». (المزمل: ۱-۸)

آنچه که از این آیات استفاده می شود این است که خداوند به پیامبر (ص) خطاب می کند که اگر می خواهی این بار سنگین را به منزل برسانی نیرو از خارج بگیر و بعد آن نیرو خارج را بیان می کند، اول نماز شب و دوم قرآن خواندن و سوم دعا و ذکر خداست خداوند متعال به حبیب و پیامبرش امر می کند که اگر بخواهی این بار سنگین را به منزل برسانی باید در زندگی تو دعا باشد راز و نیاز با خدا باشد. خداوند متعال در سوره فرقان می فرماید: «قل ما یعبأ بکم ربی لولا دعاؤکم؛ بگو پروردگارم برای شما ارجی قائل نیست اگر دعای شما نباشد» (الفرقان: ۷۷)

دعا از نظر قرآن مجید فوق العاده اهمیت دارد و برعکس از دعا نکردن، با خدا رابطه نداشتن و راز و نیاز نکردن با خدا بسیار مذمت شده است.

قرآن مجید می فرماید: «ادعونی استجب لکم؛ پروردگار شما گفته است مرا بخوانید تا دعای شما را بپذیریم، و دنبال آیه می فرماید: «ان الذین یتکبرون عن عبادتی سید خلون جهنم و اخرین؛ کسانی که از عبادت من تکبر ورزند، بزودی با ذلت وارد دوزخ می شوند». (غافر: ۶۰)

اگر ما روش تربیتی پیامبر (ص) و ائمه طاهرین (ع) را مطالعه کنیم می بینیم که هیچ چیزی را به اندازه دعا و مناجات با پروردگار خود با ارزش ندانستند، همه خواهش ها و آرزوهای دل خود را با محبوب واقعی در میان می گذاشت و بیش از آن که به مطلوب های خود اهمیت بدهند به خود طلبی و راز و نیازها اهمیت می دادند و هیچ وقت احساس خستگی هم نمی کردند. نه تنها خود آنان به نیایش علاقه مند بودند که با اصحاب و پیروان خودشان نیز بسیار سفارش به دعا می کردند و این روش را برای تربیت اخلاقی و فرهنگی کار آمد می دانستند.

امام صادق (ع) می فرماید: «دعا سلاح مومن و ستون دین و نور آسمانها و زمین است».

رسول خدا می‌فرماید: «دعا از نیزه آهنین نافذتر است و نیز می‌فرماید: دعا نافذتر است از نیزه آهنین» (کلینی، ۱۳۲۹ ج ۲: ۴۶۸).

آثار تربیتی دعا

آنچه که از این آیات قرآن کریم و سیره معصومان (ع) استفاده می‌شود که دعا و ذکر خداوند غیر از آنکه آثار معنوی و پاداش آخرتی دارد اگر مورد اجابت قرار گیرد آثار مادی و معنوی نیز خواهد داشت. در همین زمینه، سیف تمار می‌گوید: «شنیدم امام صادق (ع) می‌فرماید: بر شما باد به دعا کردن، زیرا کارسازترین وسیله‌ای که شما را به خدا نزدیک می‌سازد دعا است...».

و نیز علاء بن کامل از همان امام بزرگوار نقل می‌کند که به من فرمود: «برتو باد به دعا کردن، زیرا این عمل شفای هر دردی است».

ما از تاکیدات پیشوایان دین و به خصوص امام صادق استفاده می‌کنیم که در دعا و ذکر خدا آثار فراوان نهفته است.

هم آثار جسمی و روانی و هم آثار معنوی، زیرا ذکر خداوند در میان بسیاری از بیماریها و اختلالات جسمی به گونه غیر مستقیم است زیرا: «در روان شناسی ثابت شده است که شمار زیادی از مرضهای خاص بدنی منشأ روانی دارد و با دستیابی به رفاء و سلامت روحی مشکلات این چنین از میان می‌رود».

دعا و ذکر خدا به صورت‌های مختلف جلوه می‌کند، همچنان که آثار فردی و اجتماعی بسیار سازنده در تربیت انسان‌ها دارد و از سوی وسیله و ابزار بسیار کار آمد در اختیار پدران و مادران به ویژه مسئولان نظام آموزشی و تربیتی و با جدی گرفتن دعاها، کمیل، ندبه و توسل و.... است که در بین اقشار جامعه در تمام سطوح مختلف و تشکیل مراسم دعاها و نیایش‌ها و با ایجاد زمینه‌های این گونه تربیتی مناسب فضای روانی و فکری، جامعه را به سوی کمالات معنوی پیش برده و بدین وسیله راه نفوذ در اخلاق، عقائد دینی و فرهنگی را بر مهاجمان شرور فرهنگی و دشمنان خدا و خلق او سد کنند همچنان که پیشوایان دین (ع) این روش را در زندگی اجتماعی و فرد خودشان داشته‌اند.

جمع بندی و نتیجه‌گیری

عبادت در فرهنگ تربیتی پیشوایان معصوم (ع) به ویژه پیامبر اکرم (ص) بالاترین درجات بندگی یک انسان است، عبادت پیمودن راه تقید، پرهیزکاری و گذر از مرتبه ساده عبودیت به مرحله کمال عبودیت است و با این تعبیر پس عبودیت یک وصف حقیقی است که حاصل و ثمر عبادت محسوب می‌شود.

عبادت همان پیوند حقیقی و اقرار قلب و با ارکان بدن به تکالیف دینی و عبادی و اطاعت از دستورات خدا و پیامبر (ص) و اهل بیت (ع) می‌باشد این اقرار قلبی مداوم و تلقین مستمر به قلب، در عمل و زبان و اعضا ظهور می‌یابد رفته رفته نفس مختار را در سیطره خود در می‌آورد قلب و دل او را پیوسته متوجه خویش می‌سازد و از بنده سرکشی عبد مطیع می‌سازد.

بنابراین عبادت انسان را از عبودیت ساده و عمومی به عبودیت تکامل یافته و خاص می‌رساند و وارد حوزه صالحان و پاکان می‌نماید و از بندگی فطری و جبری فراتر برده و او را به سوی بندگی از روی اراده و میل هدایت می‌کند.

عبادت الهی در انسان، همان بندگی فطری است که با ظهور و جریان آن در فکر و قلب و عمل افراد بشر، به عنوان موجود مختار در سطح کمال یافته و بسیار عالی تربیتی تحقق می‌یابد.

هیچ چیزی شریفتر، کامل‌تر و کارسازتر برای انسان، از مقام عبودیت حق نیست و حتی رسیدن به مقام رسالت، ولایت نیز متوقف بر بندگی و عبودیت خالصانه می‌باشد.

ریشه همه آثار معنوی اخلاقی و اجتماعی که در عبادت است در یک چیز است: یاد حق و غیر او را از یاد بردن. قرآن کریم در یک جا به اثر تربیتی و جنبه تقویتی روحی عبادت اشاره می‌کند و می‌گوید: نماز از کار بد و زشت باز می‌دارد. خداوند می‌فرماید: «اتْلُ مَا أُوحِيَ إِلَيْكَ مِنَ الْكِتَابِ وَأَقِمِ الصَّلَاةَ إِنَّ الصَّلَاةَ تَنْهَى عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ وَلَذِكْرُ اللَّهِ أَكْبَرُ وَاللَّهُ يَعْلَمُ مَا تَصْنَعُونَ (عنکبوت/ ۴۵)»: آنچه را از کتاب آسمانی به تو وحی شده تلاوت کن، و نماز را بر پا دار که نماز (انسان را) از زشتی‌ها و منکرات باز می‌دارد و خداوند می‌داند شما چه کارهائی انجام می‌دهید. در این آیه برای دل‌داری و تسلی خاطر و تقویت روحیه و ارائه خط مشی کلی و جامع -رو به پیامبر کرده دو دستور به او می‌دهد: نخست می‌گوید آنچه را از کتاب آسمانی (قرآن) به تو وحی شده تلاوت کن. این آیات را بخوان که هر چه می‌خواهی در آن است

: علم و حکمت ، نصیحت و اندرز ، معیار شناخت حق و باطل ، وسیله نورانیت قلب و جان ، و مسیر حرکت هر گروه و هر جمعیت . بخوان و در زندگیت به کار بند ، بخوان و از آن الهام بگیر ، بخوان و قلبت را به نور تلاوتش روشن کن . بعد از بیان این دستور که در حقیقت جنبه آموزش دارد ، به دستور دوم می پردازد که شاخه اصلی پرورش است ، می گوید : و نماز را بر پا دار (و اقم الصلوة) .

سپس به فلسفه بزرگ نماز پرداخته می گوید : زیرا نماز انسان را از زشتیها و منکرات باز می دارد. طبیعت نماز از آنجا که انسان را به یاد نیرومندترین عامل بازدارنده یعنی اعتقاد به مبدء و معاد می اندازد دارای اثربازدارندگی از فحشاء و منکر است . انسانی که به نماز می ایستد ، تکبیر می گوید ، خدا را از همه چیز برتر و بالاتر می شمرد ، به یاد نعمتهای او می افتد ، حمد و سپاس او می گوید ، او را به رحمانیت و رحیمیت می ستاید ، به یاد روز جزای او می افتد ، اعتراف به بندگی او می کند ، از او یاری می جوید صراط مستقیم از او می طلبد ، و از راه کسانی که غضب بر آنها شده و گمراهان به خدا پناه می برد (مضمون سوره حمد) . بدون شک در قلب و روح چنین انسانی جنبشی به سوی حق و حرکتی به سوی پاکی و جهشی به سوی تقوا پیدا می شود . برای خدا رکوع می کند ، و در پیشگاه او پیشانی بر خاک می نهد، غرق در عظمت او می شود و خودخواهی ها و خود برترینی ها را فراموش می کند.

شهادت به یگانگی او می دهد گواهی به رسالت پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله وسلم می دهد . بر پیامبرش درود می فرستد و دست به درگاه خدای بر می دارد که در زمره بندگان صالح او قرار گیرد (تشهد و سلام) . همه این امور موجی از معنویت در وجود او ایجاد می کند ، موجی که سد نیرومندی در برابر گناه محسوب می شود . هنگامی که آماده مقدمات نماز می شود خود را شستشو می دهد پاک می کند ، حرام و غضب را از خود دور می سازد و به بارگاه دوست می رود همه این امور تاثیر بازدارنده در برابر خط فحشاء و منکرات دارد . منتها هر نمازی به همان اندازه که از شرایط کمال و روح عبادت برخوردار است نهی از فحشاء و منکر می کند ، گاه نهی کلی و جامع و گاه نهی جزئی و محدود . ممکن نیست کسی نماز بخواند و هیچگونه اثری در او نبخشد هر چند نمازش صوری باشد هر چند آلوده گناه باشد ، البته این گونه نماز تاثیرش کم است ، این گونه افراد اگر همان نماز را نمی خواندند از این هم آلوده تر بودند . بنابراین : نهی

از فحشاء و منکر سلسله مراتب و درجات زیادی دارد و هر نمازی به نسبت رعایت شرایط دارای بعضی از این درجات است. در دنباله آیه اضافه می فرماید ذکر خدا از آن هم برتر و بالاتر است (و لذكر الله اكبر). ظاهر جمله فوق این است که بیان فلسفه مهمتری برای نماز می باشد، یعنی یکی دیگر از آثار و برکات مهم نماز که حتی از نهی از فحشاء و منکر نیز مهمتر است آنست که انسان را به یاد خدا می اندازد که ریشه و مایه اصلی هر خیر و سعادت است، و حتی عامل اصلی نهی از فحشاء و منکر نیز همین ذکر الله می باشد، در واقع برتری آن به خاطر آنست که علت و ریشه محسوب می شود. اصولاً یاد خدا، مایه حیات قلوب و آرامش دلها است، و هیچ چیز به پایه آن نمی رسد: الا بذكر الله تطمئن القلوب: آگاه باشید یاد خدا مایه اطمینان دلها است (سوره رعد آیه ۲۸). اصولاً روح همه عبادات - چه نماز و چه غیر آن - ذکر خدا است، اقوال نماز، افعال نماز، مقدمات نماز، تعقیبات نماز، همه و همه در واقع، یاد خدا را در دل انسان زنده می کند. در آیه ۱۴ سوره طه نیز اشاره به این فلسفه اساسی نماز شده و خطاب به موسی می گوید: «اقم الصلوة لذكری»: نماز را بر پا دار تا به یاد من باشی. به هر حال گر چه نماز چیزی نیست که فلسفه اش بر کسی مخفی باشد، ولی دقت در متون آیات و روایات اسلامی ما را به ریزه کاریهای بیشتری در این زمینه رهنمون می گردد:

۱- روح و اساس و هدف و پایه و مقدمه و نتیجه و بالاخره فلسفه نماز همان یاد خداست، همان «ذكر الله» است که در آیه قرآن به عنوان برترین نتیجه بیان شده است. البته ذکر که مقدمه فکر، و فکری که انگیزه عمل بوده باشد، چنان که در حدیثی از امام صادق (ع) آمده است که در تفسیر جمله «و لذكر الله اكبر» فرمود: «ذكر الله عندما أحلّ و حرّم» «یاد خدا کردن به هنگام انجام حلال و حرام» (یعنی به یاد خدا بیفتد به سراغ حلال برود و از حرام چشم پپوشد).

۲- نماز وسیله شستشوی از گناهان و مغفرت و آمرزش الهی است چرا که خواه ناخواه نماز انسان را دعوت به توبه و اصلاح گذشته می کند، لذا در حدیثی می خوانیم: پیامبر (ص) از یاران خود سؤال کرد: «اگر بر در خانه یکی از شما نهری از آب صاف و پاکیزه باشد و در هر روز پنج بار خود را در آن شستشو دهد، آیا چیزی از آلودگی و کثافت در بدن او می ماند؟» در پاسخ عرض کردند: نه، فرمود: «نماز درست همانند این آب جاری است، هر زمان که انسان نماز می خواند گناهای که در میان دو نماز انجام شده است از میان

می رود» و به این ترتیب جراحاتی که بر روح و جان انسان از گناه می نشیند، با مرهم نماز التیام می یابد و زنگارهایی که بر قلب می نشیند زدوده می شود.

۳- نماز سدی در برابر گناهان آینده است، چرا که روح ایمان را در انسان تقویت می کند، و نهال تقوی را در دل پرورش می دهد، و می دانیم «ایمان» و «تقوی» نیرومندترین سد در برابر گناه است، و این همان چیزی است که در آیه فوق به عنوان نهی از منکر بیان شده است و همان است که در احادیث متعددی می خوانیم: افراد گناهکاری بودند که شرح حال آن ها را برای پیشوایان اسلام بیان کردند فرمودند: غم مخورید، نماز آن ها را اصلاح می کند و کرد.

۴- نماز، غفلت زداست، بزرگترین مصیبت برای رهروان راه حق آن است که هدف آفرینش خود را فراموش کنند و غرق در زندگی مادی و لذائذ زود گذر گردند. اما نماز به حکم این که در فواصل مختلف، و در هر شبانه روز پنج بار انجام می شود، مرتباً به انسان اخطار می کند، هشدار می دهد، هدف آفرینش او را خاطر نشان می سازد، موقعیت او را در جهان به او گوشزد می کند و این نعمت بزرگی است که انسان وسیله ای در اختیار داشته باشد که در هر شبانه روز چند مرتبه قویاً به او بیدار باش گوید.

۵- نماز خودبینی و کبر را در هم می شکند، چرا که انسان در هر شبانه روز هفده رکعت و در هر رکعت دو بار پیشانی بر خاک در برابر خدا می گذارد، خود را ذره کوچکی در برابر عظمت او می بیند، بلکه صفری در برابر بی نهایت. پرده های غرور و خودخواهی را کنار می زند، تکبر و برتری جویی را در هم می کوبد. به همین دلیل حضرت علی(ع) در آن حدیث معروفی که فلسفه های عبادات اسلامی در آن منعکس شده است بعد از ایمان نخستین عبادت را که نماز است با همین هدف تبیین می کند می فرماید: «خداوند ایمان را برای پاکسازی انسان ها از شرک واجب کرده است و نماز را برای پاکسازی از کبر.»

۶- نماز وسیله پرورش، فضایل اخلاق و تکامل معنوی انسان است، چرا که انسان را از جهان محدود ماده و چهار دیوار عالم طبیعت بیرون می برد، به ملکوت آسمان ها دعوت می کند، و با فرشتگان هم صدا و هم راز می سازد، خود را بدون نیاز به هیچ واسطه در برابر خدا می بیند و با او به گفتگو بر می خیزد. تکرار این عمل در شبانه روز آن هم با تکیه بر روی صفات خدا، رحمانیت و رحیمیت و عظمت او مخصوصاً با کمک گرفتن از سوره های مختلف قرآن بعد از حمد که بهترین دعوت کننده به سوی نیکی ها است اثر

قابل ملاحظه ای در پرورش فضائل اخلاقی در وجود انسان دارد. لذا در حدیثی از امیر مؤمنان علی (ع) می خوانیم که در فلسفه نماز فرمود: «نماز وسیله تقرب هر پرهیزگاری به خداست».

۷- نماز به سایر اعمال انسان ارزش و روح می دهد- چراکه نماز روح اخلاص را زنده می کند، زیرا نماز مجموعه ای است از نیت خالص و گفتار پاک و اعمال خالصانه، تکرار این مجموعه در شبانه روز بذر سایر اعمال نیک را در جان انسان می پاشد و روح اخلاص را تقویت می کند. لذا در حدیث معروفی می خوانیم که امیر مؤمنان علی (ع) در وصایای خود بعد از آن که فرق مبارکش با شمشیر ابن ملجم جنایتکار شکافته شد فرمود: «اللّٰهُ اللهُ فِي الصَّلَاةِ فَإِنَّهَا عَمُودُ دِينِكُمْ» «خدا را، خدا را در باره نماز، چرا که ستون دین شماست» می دانیم هنگامی که عمود خیمه درهم بشکند یا سقوط کند هر قدر طنابها و میخ های اطراف محکم باشد اثری ندارد، همچنین هنگامی که ارتباط بندگان با خدا از طریق نماز از میان برود اعمال دیگر اثر خود را از دست خواهند داد. در حدیثی دیگر از امام صادق (ع) می خوانیم: «نخستین چیزی که در قیامت از بندگان حساب می شود نماز است اگر مقبول افتاد سایر اعمالشان قبول می شود، و اگر مردود شد سایر اعمال نیز مردود می شود.» شاید دلیل این سخن این باشد که نماز رمز ارتباط خلق و خالق است، اگر به طور صحیح انجام گردد قصد قربت و اخلاص که وسیله قبولی سایر اعمال است در او زنده می شود، و گرنه بقیه اعمال او مشوب و آلوده می گردد و از درجه اعتبار ساقط می شود.

۸- نماز قطع نظر از محتوای خودش با توجه به شرائط صحت دعوت به پاکسازی زندگی می کند، چرا که می دانیم مکان نمازگزار، لباس نمازگزار، فرش که بر آن نماز می خواند، آبی که با آن وضو می گیرد و غسل می کند، محلی که در آن غسل و وضو انجام می شود، باید از هر گونه غصب و تجاوز به حقوق دیگران پاک باشد کسیکه آلوده به تجاوز و ظلم، ربا، غصب، کم فروشی، رشوه خواری و کسب اموال حرام باشد چگونه می تواند مقدمات نماز را فراهم سازد؟ بنابراین تکرار نماز در پنج نوبت در شبانه روز خود دعوتی است به رعایت حقوق دیگران

۹- نماز علاوه بر شرایط صحت شرایط قبول، یا به تعبیر دیگر شرایط کمال دارد که رعایت آن ها نیز یک عامل مؤثر دیگر برای ترک بسیاری از گناهان است. در کتب فقهی و منابع حدیث، امور زیادی به عنوان موانع قبول نماز ذکر شده است از جمله مسئله شرب خمر است که در روایات آمده: «نماز شرابخوار تا

چهل روز مقبول نخواهد شد مگر این که توبه کند» و در روایات متعددی می خوانیم : «از جمله کسانی که نماز آن ها قبول نخواهد شد پیشوای ستمگر است». و در بعضی از روایات دیگر تصریح شده است که نماز کسی که زکات نمی پردازد قبول نخواهد شد، و همچنین روایات دیگری که می گوید: خوردن غذای حرام یا عجب و خود بینی از موانع قبول نماز است، پیدا است که فراهم کردن این شرایط قبولی تا چه حد سازنده است!

۱۰ - نماز روح انضباط را در انسان تقویت می کند، چراکه دقیقاً باید در اوقات معینی انجام گیرد که تأخیر و تقدیم آن هر دو موجب بطلان نماز است، همچنین آداب و احکام دیگر در مورد نیت و قیام و قعود و رکوع و سجود و مانند آن که رعایت آن ها، پذیرش انضباط را در برنامه های زندگی کاملاً آسان می سازد . همه این ها فوایدی است که در نماز، قطع نظر از مسئله جماعت وجود دارد و اگر ویژگی جماعت را بر آن بیافزاییم که روح نماز همان جماعت است- برکات بی شمار دیگری دارد که این جا جای شرح آن نیست، به علاوه کم و بیش همه از آن آگاهیم.

منابع

۱. قرآن کریم
۲. نهج البلاغه، ترجمه محمد دشتی
۳. صحیفه سجادیه
۴. آمدی، عبدالواحد، شرح غرر الحکم و درر الکلم، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۷۳.
۵. پورآوند، طیب، بحران هویت انسان از منظر قرآن کریم، قم، انتشارات سلسله.
۶. جوادی آملی، عبدالله، منزلت عقل در هندسه معرفت دینی، قم، مرکز نشر اسرا، ۱۳۹۰
۷. الحر عاملی، وسائل الشیعه، قم، موسسه آل البيت للاحیاء التراث، ۱۳۱۲ق.
۸. خمینی، روح الله، شرح حدیث جنود عقل و جهل، تهران، موسسه تنظیم و نشر آثار، ۱۳۷۷.
۹. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، المفردات فی غریب القرآن: فی اللغة و الادب و التفسیر و علوم القرآن، تهران، مکتبه بوذر جمهری، ۱۳۷۳.
۱۰. صدوق.....، الامالی، قم، موسسه بعثت، ۱۴۱۷ق.

۱۱. طریحی، فخرالدین بن محمد، مجمع البحرین، ج ۱، تهران، نشر مرتضوی، ۱۳۶۲.
۱۲. فیض کاشانی، محسن، المحججه البيضاء، تهران مکتبه الصدوق، ۱۳۳۹.
۱۳. قرائتی، محسن، پرتوی از اسرار نماز، تهران، مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن، چ ۱۷، ۱۳۸۶.
۱۴. قریشی بنایی، سید علی اکبر، قاموس القرآن، ج ۲، تهران، دارالاکتب الاسلامیه، ۱۳۵۲.
۱۵. کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، قم، دارالحديث، ۱۳۲۹ق.
۱۶. -----، فروع الکافی، تهران مکتبه الاسلامیه، ۱۴۱۳ق.
۱۷. مجلسی، محمدباقر، بحارالانوار، بیروت، موسسه الوفا، ۱۴۰۴ق.
۱۸. مجلسی، محمدباقر، بحارالانوار، تهران، دارالاکتب الاسلامیه، ۱۳۶۲.
۱۹. محمدی ری شهری، محمد، میزان الحکمه، قم، مکتب الاعلام الاسلامی، ۱۳۷۱.
۲۰. مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، تهران، دار الکتب الاسلامیه، ۱۳۷۱ش.
۲۱. محمد ابن سعد بن منیع بغدادی، طبقات الکبری بی جا، بی تا.
۲۲. قمی، شیخ عباس، بی تا، سفینه البحار، تهران موسسه انتشارات فراهانی.